

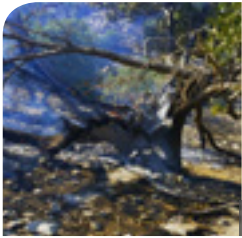
کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۷ یکشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۹، ۵ جولای ۲۰۲۰

www.kurdistanmedia.com



زمین سوخته سیاست
رژیم ایران در ...

۵



بریدن ممتد ترمز
دلار

۶



چه سرنوشتی در انتظار
رژیم و ...

۶



جهش تولید یا
غارت؟

۷

اندیشه سبزمان رهبر است

سخن

راه
اورشلیم

کریم پرویزی

همانگونه که می‌گویند ناف رژیم ولایت فقیه با دشمنی حکومت و ملت اسرائیل بریده شده است. از همان ابتدا که خمینی قدرت را به انحصار خود درآورد و همه شرکای خود را کنار زد، برای آنکه از چپ‌های تندرو عقب نماند، به تندی به اسرائیل یورش برد و حتی جمعه آخر ماه رمضان را به نام روز قدس نامگذاری کرد تا همه مسلمانان جهان را علیه اسرائیل تحریک کند.

حکومت خمینی در برخی امور دنباله‌رو ایدئولوژی مارکسیست_لنینیستی خط توده در ایران بود و به شکلی سیاست‌های خود را پی ریزی می‌کرد که از تبلیغات خط توده عقب نماند. برای مثال برای آنکه اثبات نماید بیشتر از کمونیستها با آمریکا دشمنی دارد به سفارتخانه آمریکا در تهران هجوم برده و کارمندان آن را به گروگان گرفت. دشمنی با اسرائیل یکی دیگر از موضوعاتی بود که خمینی و باندش می‌خواستند از توده و توده‌ای‌ها عقب نمانند و دشمنی مرسوم برخی از مذهبیان علیه یهودیان را با ایدئولوژی سیاسی خود در هم آمیختند و چهار دمه فریاد برآوردند که درصدد نابودی و محو اسرائیل هستند!

در زمان جنگ ویرانگر ایران و عراق در دهه شصت شمسی، حتی خمینی بدان شکل جوانان پیرو رژیم خویش را تحریک می‌کرد که اگر در صدد آزادی قدس هستند، ابتدا باید رژیم صدام را سرنگون نمایند و شعار معروف از کربلا عبور می‌کنند». هدف آنان در ابتدا اشغال عراق و کربلا بوده و از این طریق به سوی آزادی قدس بروند. یعنی هدف اصلی آنان رسیدن به قدس و محو اسرائیل بود و جنگ با صدام و اشغال کربلا ابتدای راه بود!

شعار راه آزادی قدس، بخش اساسی سیاست منطقه‌ای رژیم

ادامه در صفحه ۳



تلاش نموده تا بر استمرار بر به آتش کشیدن کوردستان، مرگ و نیستی را برای مردم ما عادی بسازد و به ما بگوید که شما محکوم به نابودی هستید، بی‌خبر از آنکه همانند "داره پیرری" داستان "جلال ملک‌شاه"، ما نخواهیم مرد و در اوج مرگ نیز بازخواهیم گشت! شریف باجور، امید کهنه پوشی، مختار خندانی، بلال امینی، یاسین کریمی، به شهدای کوردستان پیوستند و چه با ارزش‌تر از آن که در خاک و وطن به شهادت برس. با به شهادت رسیدن و مجروح شدن فعالان محیط زیست و دلسوزان کوردستان، این واقعیت عیان می‌گردد که فرزندان دامنه زاگرس، از هیچ شیوه مرگی خوف نداشته، وجب به وجب خاک این کوردستان و شاخه به شاخه درختان و قطره به قطره آب چشمه‌های آن آنقدر با ارزش بوده که فدا کردن جان کمترین کاری است که می‌توان برای محافظت از آن انجام داد. فعالان محیط زیست با شهادت خویش در راه محافظت از جنگل‌های کوردستان سنگی دیگر برای بنیان نهادن وطن گذاشتند و مطمئناً نسل آینده نیز اندیشه سبز رهبرشان خواهد بود.

به خیابان آمدن مردم پاره برای استقبال از پیکر شهدای تازه راه آزادی زاگرس از آتش دشمنان در این وضعیت که کرونا بزرگترین تهدید برای زندگی انسان است، نشان دهنده این درد و اندوه است که اکنون در دل و گلوی فرد به فرد مردم کوردستان ریشه افکنده است. مردم پاره از عصر یکشنبه در خیابان‌ها و نوشته‌هایی همچون "شهید نمی‌میرد"، "نمی‌میرند آنان که در دل ملت زنده هستند"، "راهانان پر رهرو باد" و دهها جمله دیگر و با در دست گرفتن تصویر شهدای محیط زیست و سر دادن "ای شهیدان" همزمان با ابراز غم و اندوه خود برای از دست دادن فرزندان قهرمان کوردستان، با راه آنان تجدید میثاق کرده و در میان اندوه کوردستان حماسه‌ای فراوانی نشدنی همانند حماسه شهدای محیط زیست مریوان و حماسه کمک‌های انسان دوستانه برای زلزله‌زدگان "ازگلگه" خلق نموده و به دشمنان این ملت اعلام کردند که آنچه در کوردستان است هویتی جدا از آنچه در مرکز برای آن تصمیم می‌گیرند و به آن می‌اندیشند، می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در سالیان اخیر

در بین مردم زنده کرده و اعلام کردند که زنده ماندن درختان بلوط زاگرس آنقدر با ارزش است که باید آمادگی جان بخت کردن در راه آن را داشته باشیم. در دو سال گذشته، بصورت مستمر جنگل‌ها و مراتع کوردستان از سوی دشمنان محیط زیست و عوامل جمهوری انسان‌کش اسلامی ایران به آتش کشیده شده‌اند و به زیست محیط کوردستان خسارات فراوانی وارد آمده است، این در حالی است که فعالان محیط زیست در کوردستان تمام تلاش خود را برای مهار و کنترل آتش سوزی بکار گرفته و برای نجات جنگل‌ها و بازگشت تنفس به محیط زیست زاگرس از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. اقدامات غیرانسانی حکام جمهوری اسلامی تراژدی شهادت فعالان محیط زیست را تکرار نمود و متأسفانه روز یکشنبه ۸ تیر، ۳ تن از اعضای انجمن "ژیوای" پاره که دو تن از آنان از اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران بودند در هنگام اطفای حریق جنگل‌های "بوزین" و "مرخیل" پاره، جان خود را در گروی محافظت از درختان بلوط کوردستان تقدیم میهن کردند.

جان با ارزش خود را در این راه تقدیم می‌کنند. در روز ۳ شهریور سال ۱۳۹۷ شمسی "شریف باجور" و "امید کهنه پوشی" از فعالان محیط زیست در هنگام اطفای حریق جنگل‌های مریوان به شهادت رسیدند. مردم وظیفه شناس کوردستان که همواره آماده جان‌فدایی در گروی محافظت از خاک کوردستان هستند، با شعار "اندیشه سبزمان رهبر است"، جدا از اعلام وفاداری خود به شهیدان محیط زیست، با شهیدان و درختان بلوط کوردستان تجدید میثاق کرده که آنان نیز تا آخرین نفس شریف‌آسا و امیدآسا در این راه تلاش نمایند و اجازه ندهند که یک شاخه از جنگل‌های کوردستان در آتش دشمنان کوردستان بسوزد و امیدها از بین بروند و به شرافت کوردستان خدشه وارد شود. بعد از حماسه خاکسپاری شهیدان محیط زیست و تدفین آنان با سرود "ای شهیدان" به منزلگاه ابدی، مردم بیشتر از قبل در این میدان گام برداشته و در این بین از هیچ تلاشی دریغ نکرده‌اند. شهیدان شریف باجور و امید کهنه پوشی با تقدیم جان خود به کوردستان، همبستگی و اتحاد را

ضمن آنکه اشغالگران، چندین سال است که در تلاش برای اشغال خاک کوردها بوده و با به آتش کشیدن جنگل‌ها، طبیعت زیبای آن را نابود سازند و در هزاران اقدام اهریمنانه ثروت و سامان کوردستان را به یغما ببرند، اما افرادی بوده و هستند که در برابر این همه زیاده‌خواهی و نانسانیت مقابله نموده و در این راه با بخشیدن جان خود برای یک وجب از خاک کوردستان دریغ نکرده‌اند. تاریخ این میهن مملو از آلام و پر تراژدی که شاید به استثناء، ملتی دیگر باشد که آن را مشاهده یا درک کرده باشد. به گونه‌ای که اغلب اوقات گفته می‌شود سرنوشت ما تنها شهید دادن است، شهید نان و شهید آزادی و شهید محیط زیست و ... سرنوشت کورد چنین خواسته که در گروی همه زیبایی‌های زندگی و انسانیت چنین به شهادت رسیده و شهید بدهد. ما باید بمیریم تا زندگی شکوفه نماید و پلیدی و آتش سوزی سیمای زمین و انسانیت را از این بیشتر کدر و سیاه نکند. ضمن همه اشغالگری و به یغما بردن و تخریب که بر سر کوردستان آمده باز هم فرزندان وظیفه شناس

حزب دمکرات با صدور بیانیه‌ای اجرای حکم اعدام "هدایت عبدالله پور" را تأیید کرد



حزب دمکرات کوردستان ایران طی بیانیه‌ای اعلام کرد که "هدایت عبدالله پور" عضو مبارز حزب دمکرات ازسوی جلاهای جمهوری اسلامی تیرباران شده

است.
متن اطلاعیه بدین شرح است:

خون شهیدان روشنگر راهمان است
هموطنان گرامی!

ملت مبارز کوردستان!
اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران!
با نهایت تأسف اعلام می‌داریم که "هدایت عبدالله پور" فرزند

"ابوبکر" اهل شهرستان اشنویه از سوی جلاهای جمهوری اسلامی تیرباران شده است.
"هدایت عبدالله پور" متولد ۱۳۶۹ شمسی و عضو دلسوز و فعال حزب دمکرات مورخ ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۵ شمسی، ۴۹ روز بعد از درگیری مشهور "قره‌سقل" بازداشت و به مدت ۷۴ روز در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه برای اخذ اعتراف اجباری مورد شکنجه قرار گرفت. سپس به اتهام عداوت با نظام و عضویت در حزب دمکرات کوردستان ایران حکم اعدام بر نامبرده تحمیل گردید. درحالی‌که این حکم از سوی شعبه ۴۷ رد شده بود، به دادگاه انقلاب ارومیه منتقل شد، "هدایت عبدالله پور" در شعبه ۲ دادگاه انقلاب محاکمه و برای بار دوم و به درخواست و فشار "حفاظت اطلاعات سپاه ارومیه" حکم اعدام بر وی تحمیل

گردید.
شایان ذکر است، "هدایت عبدالله پور" قبل از اعدام به مدت ۵ ماه حتی اجازه ملاقات با همسر و فرزندان خویش را نداشته است و روز ۲۰ اردیبهشت ماه از زندان ارومیه به مکانی نامعلوم منتقل شد. هر چند بعد شفاهی به خانواده قهرمان شهید "هدایت" اعلام کرده بودند که در حضور خانواده کشته‌شدگان قره‌سقل، "هدایت" اعدام شده است؛ اما پس از تحقیقات فراوان معلوم گشت که "هدایت عبدالله پور" در مورخ ۲۲ اردیبهشت تیرباران شده و اداره ثبت و احوال رژیم گواهی فوت وی را صادر کرده است.
در ۴۱ سال گذشته رژیم اسلامی ایران بدون توجه به افکار عمومی و بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه پرنسپ انسان‌، به سرکوب و کشتار فرزندان کورد ادامه داده و در مقابل افکار عمومی دست

به این جنایات زده است! لذا از افکار عمومی و جامعه انسانی و سازمان‌ها و نهادهای مدافع حقوق بشر و محافل و جوامع بین‌المللی و ... خواستاریم که از سرکوب و اعدام فرزندان کورد از سوی جمهوری اسلامی جلوگیری بعمل آورند و دیگر اجازه ندهند که حقوق فردی و جمعی ملت کوردستان نقض گردد.

بدین مناسبت همدردی حزب دمکرات با خانواده قهرمان "هدایت عبدالله پور" و بویژه پدر عالیقدر ایشان را اعلام می‌داریم و اطمینان می‌دهیم که خون شهید "هدایت" و دیگر شهیدانمان ضایع نخواهد شد؛ بهترین پاداش برای شهیدان ادامه دادن راه آنان است.

حزب دمکرات کوردستان ایران
ارگان تشکیلات کل
۴ تیر ۱۳۹۹ شمسی

اطلاعیه ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات در خصوص شهادت ۳ تن از محافظان محیط زیست پاوه



رسیدن سه مبارز و جوان قهرمان و انقلابی منطقه اورامانات، به خانواده شهیدان تسلیت گفته و خطاب به افکار عمومی و تمامی سازمان‌های حقوق بشری و محافل و جوامع بین‌المللی اعلام می‌داریم و تقاضا داریم که برای روشن شدن ابعاد این فاجعه، رژیم اسلامی ایران را تحت فشار قرار داده و با اعزام هیئتی بی‌طرف، حقیقت این واقعه را برای افکار عمومی روشن سازند. همزمان به مردم کوردستان و محافظان محیط زیست کوردستان اطمینان می‌بخشیم که خون شهیدانمان ضایع نشده و تا رسیدن به اهداف شهیدانمان ادامه دهنده راه آنان خواهیم بود.

با شهیدان تجدید میثاق کرده که ادامه دهنده راه آنان خواهیم بود. زنده باد یاد تازه‌ترین قربانیان دست رژیم جمهوری اسلامی ایران.

حزب دمکرات کوردستان ایران
ارگان تشکیلات کل
۹ تیر ۱۳۹۹ شمسی

منطقه به شیوهای مشکوک و از پیش تعیین شده از کار افتاده و حتی نیروهای تروریستی سپاه پاسداران "بیسیم" تیم‌های انجمن زیست محیطی ژبوی را از آنان گرفته و بدین شکل ارتباط تمامی تیم‌ها بطور کامل قطع می‌گردد.

۳- در زمان آتش سوزی و حتی در زمان وقوع فاجعه، چندین مرتبه صدای تیراندازی در منطقه شنیده شده است.
۴- براساس اینکه جنگل‌های بوزین و مرخیل از مناطق "محافظت شده" می‌باشند و از سوی نیروهای سپاه تروریستی پاسداران به شدت تحت کنترل می‌باشد و مردم عادی نمی‌توانند به آسانی در این منطقه که آتش سوزی در آن بوقع پیوسته، تردد نمایند، آشکار است که این واقعه همانند توطئه شهیدان محیط زیست مریوان، سناریویی دیگر از سوی نیروهای سرکوبگر رژیم در کوردستان می‌باشد.

ما بعنوان ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن ابراز تأسف برای به شهادت

مبارز حزب دمکرات شهید "شریف باجور" انداخت و این بار فوراً از طریق تشکیلات حزب در داخل کوردستان تحقیقات گسترده در این خصوص را آغاز نموده و اثبات شد که:

۱- ضمن آنکه بعد از به آتش کشیدن نخست جنگل‌های مرخیل، آخرین بار در روز شنبه ۷ تیر ازسوی مردم منطقه و اعضای انجمن ژبوی بطور کامل اطفای حریق شده بود، اما بامداد روز یکشنبه ساعت ۷ بار دیگر این منطقه به آتش کشیده می‌شود و بلافاصله انجمن زیست محیطی ژبوی یک تیم را به منطقه اعزام می‌نماید، اما بدلیل وسعت و کوهستانی بودن منطقه تیم دوم به سرپرستی شهید "مختار خندانی" عضو هیئت موسس انجمن زیست محیطی ژبوی، ساعت ۱۱ ظهر آماده شده و به منطقه اعزام می‌شوند.

۲- در همان روز و چند ساعت قبل از به شهادت رسیدن محافظان محیط زیست، شبکه موبایل

منطقه با کمک هم توانستند که به شیوهای بی‌نظیر همه این آتش سوزی‌هایی که از سوی سپاه تروریست پاسداران صورت گرفته بود را کنترل کنند و تا حد فراوانی نیز توطئه‌های رژیم را خنثی نمایند، این نیز باعث خشم مسئولان رژیم و فرماندهان سپاه جهل و نادانی در این منطقه شد و به همین دلیل در روز یکشنبه سپاه تروریست پاسداران برای لطمه زدن به جنبش زیست محیطی کوردستان و با هدف ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، بار دیگر سناریوی به شهادت رسیدن شهید "شریف باجور" و یارانش را در منطقه‌ای دیگر از کوردستان تکرار نمود.

مردم مبارز کوردستان!

اعضا و هواداران حزب دمکرات! متأسفانه عصر روز یکشنبه، ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات از سوی اعضای حزب در منطقه مطلع شد که با توطئه این بار مزدوران رژیم و سپاه تروریستی پاسداران، دو عضو دلسوز حزب در منطقه اورامانات به نام‌های "مختار خندانی" اهل نوسود و "یاسین کریمی" اهل روستای شمشیر، اعضای حزب دمکرات کوردستان ایران و فرزند دیگر وفادار به زیست محیط و خاک کوردستان به نام "بلال امینی" اهل منطقه ایناخی، به شکلی مشکوک در میان آتش جنگل‌های منطقه مرخیل جان خود را فدای وطن و محافظت از محیط زیست کوردستان کردند.

خبر شهادت دسته‌ای دیگر از محافظان محیط زیست کوردستان و به شهادت رسیدن دو عضو دلسوز حزب دمکرات در منطقه، بار دیگر ما را به یاد توطئه شهریور ماه ۱۳۹۷ شمسی و شهیدان زیست محیط در مریوان و بویژه به شهادت رسیدن عضو

شدند، متأسفانه در این فاجعه بالغ بر ۳۰۰ هکتار از جنگل‌های این منطقه در آتش سپاه تاریکی به خاکستر تبدیل شدند.
در روزهای بعد مزدوران سپاه پاسداران در ادامه توطئه‌های خود و با هدف به خاکستر تبدیل کردن کوردستان و در چهارچوب سیاست "زمین سوخته"، این بار موجی عظیم‌تر از به آتش کشیدن جنگل‌های منطقه را در پیش گرفتند و بار دیگر در روز شنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ شمسی، کوه‌های اطراف روستای "نجار"، ۱۳ خرداد (۲۰۲۰/۰۶/۲۰) در کوه‌های اطراف هیچ و داریان، ۲۱ خرداد (۲۰۲۰/۰۶/۱۰)، در کوه‌های هیروی، پنجشنبه ۲۹ خرداد (۲۰۲۰/۰۶/۱۸) در کوه "دره‌نیشه" و در همان روز در کوه‌های اطراف روستای "دشه"، در روز یکشنبه ۱ تیر (۲۰۲۰/۰۶/۲۱) در کوه "سردره" پاوه، در روز پنجشنبه ۵ تیر (۲۰۲۰/۰۶/۲۵) در منطقه "بروله" را به آتش کشیدند.

در آخر روزهای پنجشنبه و جمعه ۵ و ۶ تیر ۱۳۹۹ شمسی (۲۰۲۰/۰۶/۲۶) سپاه تروریست پاسداران، جنگل‌های منطقه محافظت شده "لانون، بوزین و مرخیل" را به آتش کشیدند و همزمان با اطلاع از این واقعه، مردم میهن‌پرست منطقه و اعضای انجمن زیست محیطی "ژبوی" در اسرع وقت خود را سازماندهی کرده و به منطقه اعزام شدند، هرچند که بار نخست و همان روز زیست محیطان منطقه توانستند آتش را کنترل نمایند اما متأسفانه بار دیگر ساعت ۷ صبح روز یکشنبه، ۷ خرداد، منطقه دوباره به آتش کشیده می‌شود. عیان است که از ابتدای خرداد ماه مبارزان سنگر زیست محیطی و مردم میهن‌پرست

ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات کوردستان ایران در خصوص شهادت ۳ تن از محافظان محیط زیست در آتش سوزی جنگل‌های منطقه پاوه، خطاب به افکار عمومی اطلاعیه‌ای منتشر نمود. در این اطلاعیه ضمن تسلیت به مردم کوردستان، از عضویت ۲ تن از شهدای محافظ محیط زیست در هسته‌های تشکیلاتی حزب دمکرات خبر داد.

متن اطلاعیه بدین شرح است:
ملت مبارز و میهن‌پرست کوردستان!

محافظان محیط زیست کوردستان! همانگونه که مستحضر هستید رژیم متحجر جمهوری اسلامی ایران در ادامه توطئه‌های خود برای نابودی محیط زیست و جنگل‌های کوردستان، همانند سالیان قبل، در چند روز اخیر و در منطقه هم‌ورامان، جنگل‌های منطقه "مرخیل و بوزین" در اطراف شهر باینگان از توابع شهرستان پاوه را به آتش کشیدند، این به آتش کشیدن‌ها از اواسط فصل بهار و با گرم شدن هوا در این منطقه آغاز شده بود و به شیوهای سیستماتیک و از پیش تعیین شده در خرداد ماه افزایش داد، در همین راستا در روز جمعه ۲ خرداد مصادف با ۲۲ مه ۲۰۲۰ میلادی با به آتش کشیدن کوه‌های اطراف نوسود و کوه "سرکو" مرحله‌ای تازه از به آتش کشیدن جنگل‌های کوردستان در منطقه اورامانات را آغاز کردند و یک هفته بعد مزدوران سپاه تروریست پاسداران جنگل‌های "مرخیل" را به آتش کشیدند که سپس با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر دو روزه محافظان محیط زیست منطقه و بویژه "انجمن زیست محیطی ژبوی" در شهرستان پاوه موفق به کنترل آتش

نیروی پیشمرگه کوردستان ضربه مهلکی به دشمن وارد آورد



اطلاعیه عنوان کرده است که هر نوع حمله به مقرات نیروی پیشمرگه کوردستان با پاسخ قاطع پیشمرگه‌ها روبه‌رو خواهد شد.

فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان
چهارم تیرماه ۱۳۹۹ خورشیدی

خود می‌رسانند. فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان اعلام کرده است نیروهای پیشمرگه کوردستان در سلامتی کامل به سر می‌برند و از تلفات نیروهای سپاه اطلاعاتی در دسترس نمی‌باشد. فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان در پایان این

نیروی پیشمرگه کوردستان ضربه مهلکی به دشمن وارد آورد فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده است درگیری میان نیروی پیشمرگه کوردستان و سپاه تروریست پاسداران و جاش‌ها در ارتفاعات هلگورد روی داد. متن اطلاعیه به شرح زیر است: اطلاعیه فرماندهی نیروی پیشمرگه کوردستان

روز چهارشنبه چهارم تیرماه ۱۳۹۹ خورشیدی راس ساعت ۶ عصر به وقت کوردستان عراق، گروهی از جاش و پاسدارهای رژیم ایران برای حمله به نیروی پیشمرگه در مکانی به نام "دوله میدان و خولسر" در ارتفاعات هلگورد با نیروهای پیشمرگه درگیر می‌شوند.

زمانی که تیمی از پیشمرگه‌های کوردستان در حال انجام گشت بوده‌اند و از قرار حمله جاش و پاسدارهای رژیم ایران مطلع می‌شوند آنان را به سزای اعمال

ماموستا «حسن شیوه‌سلی» درخصوص شهادت فعالان محیط زیست پیامی منتشر نمود



خواند و گفت که متأسفانه تا رژیم ایران یر سر کار باشد کوردستان به سوی ویرانی هرچه بیشتر خواهد رفت.

عضو افتخاری شورای سیاست‌گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران، مسئولان رژیم ایران را اهریمن‌های مرگ و نیستی خواند که تنها برای مرگ و نابودی تعلیم داده شده‌اند.

ماموستا "شیوه‌سلی" همچنین گفته که عاشقان واقعی محیط زیست کوردستان کاک "یاسین کریمی"، کاک "بلال امینی" و کاک "مختار خندانی"، جان خویش را به عنوان با ارزش‌ترین هدیه به محیط زیست کوردستان تقدیم کردند.

ماموستا "حسن شیوه‌سلی" در پایان ضمن تسلیت به خانواده گرامی شهدای محیط زیست، خود را در غم آنان شریک دانست.

ماموستا "حسن شیوه‌سلی" عضو افتخاری شورای سیاست‌گذاری حزب دمکرات کوردستان ایران برای ابراز همدردی با شهدای محیط زیست کوردستان، پیامی منتشر نمود.

در پیام ماموستا "حسن شیوه‌سلی" آمده که با نهایت تأسف و تأثر رهروان راه مقدس کاک "شریف باجور" و دوستانش در آتش سوزی‌های "پاوه" جان خود را فدای وطن کرده و اثبات نمودند که تا آخرین نفس در راه خود ثابت قدم هستند.

در این پیام همچنین عنوان شده، گذشت از با ارزش‌ترین سرمایه زندگی تنها از افرادی برمی‌آید که توانایی انجام چنین وظیفه‌ای سنگین را داشته باشند.

ماموستا "حسن شیوه‌سلی" شهدای محیط زیست را قهرمانان نبرد آتش و انسان

واحد اجرایی حزب دمکرات درخارج از کشور اطلاعیه‌ای منتشر نمود



نظر گرفتن زنجیره ترورهایی که ماشین ترور جمهوری اسلامی در این مدت در چند کشور اروپایی و بویژه چندین مرتبه در کشور هلند صورت داده است، این احتمال وجود دارد که این سوءقصد نیز به دستور رژیم ایران صورت پذیرفته باشد. ما ضمن محکوم نمودن این اقدام، امیدواریم کاک "صادق زرزا" هرچه زودتر سلامتی و بهبودی خود را بدست بیاورد.

از پلیس و دیگر ارگان‌های مربوطه هلند تقاضا داریم که تحقیقات لازم در خصوص این واقعه را انجام داده و افکار عمومی را از چگونگی این موضوع آگاه نموده و برای تنبیه و رسوا ساختن تروریسم و ماشین سرکوب جمهوری اسلامی اقدامات لازم را صورت دهند.

واحد اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در خارج از کشور
۱ تیر ۱۳۹۹ شمسی
۲۱ ژوئن ۲۰۲۰ میلادی

سوءقصد قرار گرفت به شدت مجروح گردید. کاک "صادق"، سالیان مدیدی در صفوف جنبش ملی_دمکراتیک کورد، در مناطق مختلف کوردستان بعنوان کادری خستگی ناپذیر و فرمانده‌ای دل‌آور نیروی پیشمرگه کوردستان به پیشبرد اهداف والای حزب دمکرات و ملت کورد خدمات شایانی کرده است.

در ادامه مبارزات در صفوف تشکیلاتی حزب دمکرات، تا بالاترین سطح و عضویت در رهبری حزب دمکرات پیش رفت، کاک صادق چهره‌ای نامی و مورد احترام در صفوف تشکیلاتی حزب دمکرات می‌باشد.

اگرچه تاکنون هیچ اطلاعیه‌ای از سوی پلیس هلند نسبت به انگیزه این سوءقصد منتشر نشده است اما با توجه به سابقه‌ای که از رژیم ایران وجود دارد و شواهد و شیوه سوءقصد به جان کاک صادق و همچنین با در

واحد اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در خارج از کشور در اطلاعیه‌ای ضمن محکوم نمودن سوءقصد به جان "صادق زرزا"، از دولت هلند درخواست کرد تا تحقیقات لازم در این خصوص را انجام دهد زیرا که احتمال انجام این سوءقصد به فرمان رژیم ایران اسلامی ایران وجود دارد.

متن اطلاعیه بدین شرح است: اطلاعیه واحد اجرایی خارج از کشور حزب دمکرات کوردستان ایران

هموطنان گرامی! محافل و جوامع بین‌المللی! باری دیگر به جان یکی دیگر از مبارزان راه آزادی کوردستان سوءقصد شد!

روز جمعه، مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۲۰ میلادی، در شهر لوردان کشور هلند، دوست مبارز "صادق زرزا"، عضو پیشین رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران و شخصیت نامی جنبش آزادی‌خواهی ملت کورد در کوردستان ایران، مورد

دوست و همکار دلسوز "تیشک TV" در آتش سوزی‌های پاوه به شهادت رسید



همچنین شهید "مختار" یکی از همکارهای کارآزموده برنامه‌های بخش "اورامانات" تیشک TV بوده و بصورت خستگی‌ناپذیر در این بخش فعالیت داشته است. نامبرده در زمان عضویت خود در حزب دمکرات، عضوی فعال و کارآمد، محافظ زیست محیطی خستگی‌ناپذیر، دوست و همکار دلسوز "تیشک TV" بوده و به شهادت رسید.

همچنین شهید "مختار" یکی از همکارهای کارآزموده برنامه‌های بخش "اورامانات" تیشک TV بوده و بصورت خستگی‌ناپذیر در این بخش فعالیت داشته است. نامبرده در زمان عضویت خود در حزب دمکرات، عضوی فعال و کارآمد، محافظ زیست محیطی خستگی‌ناپذیر، دوست و همکار دلسوز "تیشک TV" بوده و به شهادت رسید.

شهید محافظ محیط زیست کاک "مختار خندانی"، از اعضای حزب دمکرات و دوست و همکار دستگاه تبلیغات و اطلاع‌رسانی حزب دمکرات، هنگام کنترل آتش سوزی جنگل‌های پاوه به شهادت رسید. شهید "مختار خندانی" هنگام آغاز برنامه‌های "تیشک TV"، چندین مرتبه به تلویزیون "تیشک TV" کمک مالی اهدا نموده است.

کوردستان

گرامیداشت یاد شهیدان سبز در سقز و مریوان



داشتند.

آتش سوزی منطقه حفاظت شده "بوزین" و "مرخیل" پاوه، سه تن از محافظان محیط زیست به نام‌های "مختار خندانی"، "بلال امینی" و "یاسین کریمی" هنگام اطفا حریق، در آتش کینه و دشمنی رژیم ایران و سپاه تروریست پاسداران گرفتار شده و به شهادت رسیدند.

همزمان در شهرستان "سقز"، مردم با حضور در پارک "مولوی" و بر افروختن شمع و گذاشتن شاخه‌های گل بر روی پوستر شهیدان، یاد و نام آن‌ها را گرامی داشتند.

روز یکشنبه ۸ تیرماه ۱۳۹۹، در

مردم کوردستان یاد و نام شهیدان سبز، جانباختگان راه محیط زیست کوردستان را گرامی داشتند. شامگاه دوشنبه نهم تیر، مردم شهرستان "مریوان" با بر افروختن شمع بر سر مزار شهیدان "شریف باجور" و "امید کهنه پوشی"، یاد شهیدان سبز "پاوه" را گرامی

"جبهه دمکراتیک احواز":

مبارزه ملت کورد را ارج می‌نهیم

کورد کوتاهی نکرده‌اند؛ نشانه نگرش والای شما انسان‌های آزاده و فرهیخته است که تمامی ابزار مقاومت را جهت رسیدن به آزادی بکار می‌گیرید.

الان زمان آن رسیده است که تمامی این جنایتکاران در اثر مقاومت قهرمانانه و مستمر شما که تکیه بر شیرزان و بزرگ مردان پیشمرگه کورد دارد از سرزمین شما خارج شده و به این جرم و جنایت پایان داده شود.

در پایان شورای مرکزی جبهه دمکراتیک احواز با اعلام این همبستگی کامل با ملت کورد امید دارد که مرحله جدیدی از مبارزات و حق طلبی مشترکی بین تمامی ملت های در بند اشغال رژیم ایران بوجود آید تا در آینده پس از سقوط رژیم تهران مبارزات با مؤلفه های روشن جهت رسیدن به حقوق این ملت ها با قدرت و تاثیر بیشتری جبهه عمل به خود بگیرد.

شورای مرکزی جبهه دمکراتیک احواز
۲۴ ژوئن ۲۰۲۰

بود تعدادی از مجرمان دژخیمان تهران را به هلاکت برسانند. این حادثه در چهارشنبه گذشته به جهان مخابره شد و هم اکنون مکان درگیری که به نام "دوله میدان و خولسه‌ر" در ارتفاعات هلگورد معروف است توسط تروریست‌های سپاه ایران محاصره می‌باشد.

بدین جهت شورای مرکزی جبهه دمکراتیک احواز در پیامی این مبارزات شما ملت قهرمان کورد در راستای رسیدن به اهداف والای انسانی یعنی حق تعیین سرنوشت و رسیدن به استقلال سیاسی جهت تصمیم گیری برای آینده ملت کورد را بی اندازه ارج نهاده و همبستگی ملت مبارز احواز را با شما آزادیخواهان کورد اعلام می‌نماید.

در این خصوص برادر مبارز شما "محمود احمد الاحوازی" دبیر کل جبهه دمکراتیک احواز اضافه مینماید، برادران مبارز کورد، رویارویی جانانه شما با اشغالگران و تروریست‌های رژیم تهران که حدود نزدیک به ۱۰۰ سال از هیچ ظلم و جنایتی در حق ملت

"جبهه دمکراتیک احواز" طی پیامی از مبارزه ملت کورد علیه رژیم ایران حمایت کرد و در این پیام آمده است که شجاعت و سرسختی مبارزان کورد اعم از پیر و جوان، کارگر و دانشجو در این برمه بحرانی تمام حساب‌های سپاه تروریست ایران را دچار سردرگمی نموده است.

متن پیام بدین شرح است: پیام‌همبستگی جبهه دمکراتیک احواز به ملت قهرمان کورد در این مرحله حساس و تاریخ‌ساز از سرنوشت سیاسی ملت‌های در بند اشغال نظام اشغالگر فارس، ملت کورد همچنان با تمام تاون و امکانات در مقابل تروریست‌های نظام تهران مقاومت می‌نماید.

شجاعت و سرسختی مبارزان کورد اعم از پیر و جوان، کارگر و دانشجو در این برمه بحرانی تمام حساب‌های سپاه تروریست ایران را دچار سردرگمی نموده است. ملت کورد در روزهای گذشته توسط دلیرمردان پیشمرگه‌اش توانستند در یک رویارویی جدید و پس از اینکه مکان آنان توسط تروریست‌های سپاه محاصره شده

ارتفاعات روستای "کوران" از توابع منطقه صوما و برادوست ارومیه توپباران شده و صدای شلیک فراوانی به گوش رسیده است.

براساس اطلاعات رسیده از ساکنان روستای "کوران"، عصر روز سه‌شنبه مورخ سوم تیر ماه، در ارتفاعات کوه "دوگوه" درگیری بوقوع پیوسته و ساکنان این منطقه اعلام کرده‌اند که نیروهای ارتش ترکیه این محل را توپباران کرده‌اند.

همچنین برخی از ساکنان این روستا گفته‌اند که دره‌مان حال نیز سپاه تروریست پاسداران اقدام به توپباران این ارتفاعات کرده است. در این درگیری‌ها هیچکدام ازطرفین با تلفات جانی

قتل‌های ناموسی طی چهل و دو سال حکومت اسلامی ابعاد دهشتناکی پیدا کرده است

زنان در هیچ جای ایران از خطر کشته شدن توسط "خویشان مذکر با غیرت" در امان نیستند. ما ضمن محکوم کردن "قتل‌های ناموسی" عمیقاً بر این باور هستیم که ضمن مبارزه مداوم و پیگیرانه با این سنت‌های زن ستیز و تلاش در رواج فرهنگ برابری حقوق زنان و مردان، نوک تیز حمله را بایستی متوجه حکومتی نمود که زیر سلطه آن جان تمامی شهروندان و بخصوص زنان، هیچگونه ارزشی ندارد.

تردیدی نیست که سرنگونی حکومت اسلامی و استقرار یک جمهوری دمکراتیک، جدایی دین و دولت و فدرال تنها اولین گام در راه رهایی کل جامعه و بخصوص زنان می‌باشد. پس از آن اما، مبارزه با خشونت‌هایی که بر زنان می‌رود نه تنها نیازمند قوانین مشخص و اختصاص امکانات و بودجه‌های لازم می‌باشد بلکه در گرو فرهنگ سازی و تلاش و کوشش بی‌وقفه تمامی زنان و مردانست که کلیت ساختار جامعه پدر سالار که ریشه اصلی خشونت علیه زنان در آن نهفته است را به چالش می‌طلبند.

به امید تحقق آزادی و دمکراسی در ایران!

کنگره ملیت‌های ایران فدرال شورای دمکراسی خواهان ایران همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
جمعه ۶ تیر ۱۳۹۹
۲۶ ژوئن ۲۰۲۰

پروژه تونل موشکی سپاه تروریستی پاسداران در "خورنج"

به "بیگم قلعه" به مسافت ۱۴۰۰ متر و از "خورنج" به "زاواکیو" ۱۳۵۰ متر پیشروی داشته است. رژیم برای تأمین آب مورد نیاز این پروژه با استفاده از موتورهای بزرگ آب اقدام به استخراج آب کرده که در آینده‌ای نزدیک باعث خشک شدن چشمه‌های این منطقه خواهد شد و خسارات جبران ناپذیری به زیست محیط

این منطقه وارد خواهد آورد. هزینه حفر این تونل بیش از بودجه اختصاصی سالیانه استان ارومیه بوده و رژیم برای سهولت در انجام این پروژه، اقدام به احداث جاده‌های باکیفیت نموده که نظیر این جاده‌ها در سطح استان وجود ندارد.

رژیم ایران و سپاه تروریستی پاسداران بعنوان پیمانکار این پروژه عظیم، از حدود ۷ سال قبل در منطقه "لاجان شهر" و اطراف روستای "خورنج" به بهانه احیایی دریاچه ارومیه و انتقال آب این منطقه به دریاچه ارومیه، اقدام به حفر تونلی عظیم نموده که براساس یافته‌ها و گزارش‌های مردمی این تونل یک پایگاه موشکی زیرزمینی می‌باشد.

اما ابعاد دهشتناکی پیدا کرده است. طی چهل و دو سال گذشته، زنان در سرتاسر ایران در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و ... مورد خشونت و تبعیض جنسیتی آشکار قرار گرفته و این خشونت‌ها و تبعیضات با اتکا به قوانین برگرفته از شریعت نهادینه شده‌اند. بر چنین بستری، خشونت‌های خانوادگی علیه زنان افزایش یافته است و زنان نه تنها از حمایت قانونی و قضایی در مقابله با خشونت مردان و خانواده برخوردار نیستند بلکه قوانین حکومت اسلامی و مجریان آن، عملاً مشوق مردان در اعمال این خشونت‌ها که علاوه بر آسیب‌های روانی جبران ناپذیر، در بسیاری از موارد به مرگ و یا نقص عضو آنان منجر می‌شود، می‌باشند.

در قانون مجازات اسلامی، برای قتل فرزند به دست پدر و یا جد پدری مجازات بازدارنده‌ای وجود ندارد به همین دلیل بسیاری از این قاتلان بی‌هراس از مجازات، دختران خود را وحشیانه با داس، چاقو، اسلحه گرم و.. به قتل می‌رسانند. در مورد شوهران و یا برادران متهم به "قتل های ناموسی" هم صدها مورد وجود دارد که این قاتلان با استناد به "دفاع از ناموس خانواده" حداکثر به چند سال زندان محکوم شده‌اند. هر چند فرهنگ و سنت‌های عقب‌مانده می‌تواند یکی از دلایل ارقام بالای این گونه جنایات هولناک باشد، اما نگاهی به قتل‌های اخیر نشان می‌دهد که

کنگره ملیت‌های ایران فدرال، شورای دمکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران در خصوص وقوع قتل‌های ناموسی در ایران بیانیه مشترکی منتشر نمودند.

متن بیانیه به شرح ذیل می‌باشد:
"قتل‌های ناموسی"
خشونت‌ی وحشیانه علیه زنان که زیر سایه قوانین قرون وسطایی حکومت اسلامی رواج یافته است!
 طی خرداد ماه حداقل شش زن و یک دختر نوجوان در چند شهر ایران توسط پدر، همسر و یا برادر خود با انگیزه قرون وسطایی و متحجرانه "دفاع از ناموس خانواده" به قتل رسیدند. نام پنج تن از این قربانیان، هاجر حسین بر، سارا نارویی، رومینا اشرفی، فاطمه برچی و ریحانه عامری در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت و بسیاری از کاربران، انزجار خود از این جنایات را ابراز نمودند. بدون شک آمار واقعی زنان قربانی "قتل‌های ناموسی" بیشتر از تعدادیست که در رسانه‌ها و یا شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند.

"قتل‌های ناموسی" یکی از اشکال وحشیانه خشونت‌ی است که بر زنان و دختران اعمال می‌شود. این خشونت که ریشه در تفکر مالکیت مردان بر جسم زنان و ساختار جان سخت مناسبات پدرسالاری دارد، قبل از استقرار حکومت اسلامی نیز در ایران رواج داشته است، طی چهل و دو سال حکومت اسلامی



رژیم ایران به بهانه انتقال آب سد "کانی سیب" به دریاچه ارومیه، بالغ بر هفت سال است در حال احداث پایگاه زیرزمینی موشکی می‌باشد.

سپاه تروریستی پاسداران در نقاطی از جمله روستای "خورنج"، "ریک آباد" و کوه "زاواکیو" در پیرانشهر و دهستان "بیگم قلعه" در نقده اقدام به سینه‌کاری برای حفر تونل کرده است.

برق این پروژه از "پیرانشهر" تأمین گشته از راه "دره چوغری" از بیگم قلعه به خورنج راه ارتباطی توسط سپاه تروریست پاسداران ایجاد شده است.

وسعت این تونل به حدی بوده که یک دستگاه تریلی به راحتی در آن موفق به دور زدن خواهد شد و ارتفاع آن نیز برای تخلیه یک

توپباران ارتفاعات "کوران" ارومیه از سوی ارتش ترکیه



ساکنان این روستا همچنین اعلام داشته‌اند که سپاه تروریست پاسداران نیز در این درگیری حضور داشته است. رسانه‌های وابسته به رژیم ایران تنها از وقوع درگیری سخن به میان آورده و از ارائه اطلاعات بیشتر خودداری کرده‌اند.

در روزهای اخیر سپاه تروریست پاسداران اقدام به برگزاری مانور در مناطق کوهستانی کوردستان نموده و همزمان نیز ترکیه عملیاتی تحت نام "پنجه پلنگ و پنجه عقاب" را آغاز کرده است.

روبرو نبوده کسی کشته و زخمی نگردیده است. بدلیل استفاده از سلاح‌های سنگین از سوی ارتش ترکیه، ساکنان روستای "کوران" محل زندگی خود را تخلیه کرده‌اند. در همین ارتباط، وزارت دفاع ترکیه روز چهارشنبه مورخ ۴ تیر اعلام کرد که از شهر گه‌وه‌ر" از توابع "نه‌سهن دره" از داخل خاک ایران به سوی نیروهای آنان تیراندازی شده و در نتیجه این تیراندازی یک سرباز ترکیه کشته و دو تن دیگر نیز مجروح شده‌اند.

زمین سوخته سیاست رژیم ایران در کوردستان



مفتار نقشبندی

گروه‌های انسانی از قبایل کوچک گرفته تا ملیت‌ها و کشورها در طول تاریخ برای دستیابی به اهدافشان با همدیگر وارد جنگ شده‌اند و با پیشرفت تکنولوژی، جنگ‌ها خونین‌تر و ویرانگرتر شده‌اند، طرفین جنگ از هیچ عملی برای پیروزی در جنگ دریغ نکرده‌اند و حتی در صورت لزوم اقدام به نابودی امکانات و منابع خود کرده‌اند تا به دست دشمن نیفتند و شرایط را برای آنان دشوارتر کنند و این سیاست به سیاست زمین سوخته مشهور است و بزرگترین و وسیع ترین نمونه آن در ۱۰۰ سال گذشته در جریان جنگ جهانی دوم روی داد، نیروهای شوروی که مجبور به عقب نشینی می‌شدند تمام امکانات و منابع از جمله مواد غذایی و سوختی را نابود می‌کردند تا به دست نیروهای آلمانی نیفتند و این سیاست هر چند به قیمت نابودی و ویرانی بخش بزرگی از خاک شوروی تمام شد اما در کاهش سرعت پیشروی و در نهایت شکست نیروهای آلمانی تاثیر داشت چون آنان برای تأمین نیازهای ارتش بزرگشان به خصوص در زمستان به این منابع احتیاج داشتند، سیاست زمین سوخته تنها در حالت دفاعی اجرا نشده و نیروهای مهاجم و اشغالگر هم برای تحمیل هزینه بیشتر به طرف مقابل از این روش استفاده کرده‌اند برای نمونه آتش زدن چاهای نفت کویت توسط ارتش عراق قبل از عقب نشینی، رژیم ایدئولوژیک ایران هم که برای دست یابی به اهداف بلند پروازانه‌اش دست به هر اقدام و جنایتی زده از این سیاست غافل نبوده و به شیوه‌های متفاوت و در مکان‌های مختلف این سیاست را اجرا کرده برای نمونه در سوریه و یمن، همچنین مسئولین و فرماندهان رژیم ایران بارها با یاد آوری خسارات جانی و مالی جنگ داخلی سوریه به طور غیرمستقیم مردمان و اپوزسیون ایران را تهدید به اجرای سیاست زمین سوخته کرده‌اند، رژیم مذهبی و مرکزگرای ایران رفتارش با همه مردمان ایران یکسان نبوده و به دلایل ملی و مذهبی مناطقی از ایران بیشتر از بقیه مناطق مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند از جمله کوردستان، رژیم ایران در عمل با کوردستان همچون یک مستعمره رفتار کرده است و به دلایلی سیاست زمین سوخته را در کوردستان در پیش گرفته است.

هم اکنون اکثریت مطلق مردم ایران با رژیم جمهوری اسلامی مخالف هستند و خواستار تغییر رژیم هستند اما چهل سال پیش اینگونه نبود و متأسفانه بخش بزرگی از مردم و اپوزسیون، فریب دروغ‌ها و وعده‌های رژیم خمینی را خوردند اما مردم کورد از همان ابتدا مخالف حکومتی

مذهبی و مرکزگرا بودند و همین مسئله باعث حمله گسترده رژیم به کوردستان شد و ده‌ها هزار نفر از مردم کورد شهید و زخمی شدند و خسارات زیادی به مناطق مسکونی و طبیعی کوردستان وارد شد و نیروهای پیشمرگه برای جلوگیری از بمباران و گلوله باران بیشتر مناطق مسکونی توسط نیروهای رژیم از شهرها خارج شدند و در مناطق کوهستانی به دفاع پرداختند اما این پایان کار نبود، رهبران رژیم ایدئولوژیک ایران که رویای تسلط بر جهان و برپائی حکومتی مذهبی جهانی را داشتند نمی‌توانستند تحمل کنند که در مناطق تحت کنترل آنان مردمانی با نگاهی متفاوت به دین و حکومت و زندگی و با شعار دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان وجود داشته باشند چون بر دیگر مناطق ایران تاثیر می‌گذاشتند و رژیم با بحران‌های بیشتری روبه رو می‌شد بنابراین تصمیم به حذف ملت کورد گرفتند اما بر خلاف رژیم بعث عراق که تحت نام انفال اقدام به حذف فیزیکی کوردها می‌کرد رژیم ایران در کنار حذف فیزیکی فعالین سیاسی ملت کورد و همچنین تلاش آرام و تدریجی برای تغییر بافت جمعیتی مناطق کوردنشین دست به اقدام دیگری زد و آن تلاش برای نابودی افکار و احساسات ملی‌گرایانه و فرهنگ و جامعه ملت کورد بود چون افکار و خواسته‌های ملی‌گرایانه سد محکمی در برابر اشاعه ایدئولوژی رژیم در میان مردم به خصوص نسل جوان بود، رژیم

در برخورد با این گروه‌ها و دست گیری عده‌ای جوان فریب خورده و ساده هیچ اقدام جدی برای دست‌گیری رهبران این گروه‌های افراطی انجام نداد‌ه‌است و این در حالی است که رژیم به صورت گسترده و بشدت با فعالین سیاسی و مدنی و رهبران ملی مذهبی برخورد می‌کند، از دیگر توطئه‌ها و برنامه‌های اصلی رژیم برای نابودی جامعه که این سیاست در مناطق عربنشین و بلوچ نشین هم اجرا شده افزایش

و تلاش برای کوچ مردم روستایی و عشایر به شهرها است، رژیم به خوبی می‌داند که در صورت شورش گسترده مردم و حمایت نیروهای پیشمرگه به آسانی قادر به کنترل نخواهد بود و به همین دلیل قصد نابودی جنگل ها و مناطق روستایی را دارد چون کنترل این مناطق برای هر ارتشی بسیار دشوار است. در کل رژیم ۲ هدف داشته و دارد و برای رسیدن به هر دو هدف سیاست زمین سوخته و نابودی فرهنگ

اول اقدامات تخریبی را شدیدتر انجام خواهد داد. لازم به ذکر است رژیم برای تغییر کورد بد به کورد خوب (از دید رژیم) به این دلیل به سیاست زمین سوخته روی آورده است و در حال تلاش برای نابودی فرهنگ و زبان و میراث فرهنگی و محیط زیست و... است چون تا وقتی ملتی به زبان و فرهنگ و سرزمین و تاریخ خود علاقه دارد فرهنگ بیگانه را نمی‌پذیرد.

استفاده از واژه ملت کورد و

مستعمره نیست چگونه رژیم در عمق خاک و ده‌ها کیلومتر دورتر از مناطق مرزی مین‌گذاری می‌کند و تله انفجاری کار می‌گذارد؟ کدام حکومتی با مردم کشورش چنین رفتاری می‌کند؟! چرا از نظر اقتصادی و زیربناهای اقتصادی ده‌ها سال از مناطقی همچون اصفهان عقب تر است؟ چرا برخورد نیروهای امنیتی رژیم با مردم بسیار خشن‌تر از برخورد با مردم مناطق فارس‌نشین است؟ بله رژیم به

رژیم در چهار دهه گذشته توطئه و برنامه‌های زیادی را برای نابودی فرهنگ و زبان و تفکرات و احساسات ملی‌گرایانه ملت کورد اجرا کرده از جمله تلاش برای ایجاد اختلافات مذهبی میان کوردهای سنی و شیعه و دیگر مذاهب با هدف به حاشیه راندن خواسته‌های ملی کوردها و همچنین حمایت از گروه‌های تندرو تکفیری برای ایجاد رعب و وحشت و در صورت نیاز برای ایجاد ناامنی و خشونت در جنگ با احزاب کورد.

فقر و بیکاری و به سه منظور بوده است:

۱) کاهش رشد جمعیت از طریق ایجاد مشکل برای جوانان در تشکیل خانواده و ازدواج از راه فقر و بیکاری
۲) تغییر بافت جمعیتی از طریق کوچ جوانان برای یافتن کار در مناطق مرکزی ایران
۳) تغییر مطالبات ملی و سیاسی

و محیط زیست و اقتصاد و تمام نشانه‌های ملی و غرور آفرین ملت کورد را در پیش گرفته است، تغییر کورد بد به کورد خوب (از دید رژیم) یعنی تغییر هویت و فرهنگ واز بین بردن تمام تفکرات و احساسات ملی‌گرایانه و ناسیونالیسم کوردی به هویت و ناسیونالیسم ایرانی مد نظر آنان (فارسی، شیعه ولایت مدار) و

توصیف رفتار رژیم به رفتاری استعماری و تلاش کوردها برای برابری و حق تعیین سرنوشت باعث ناراحتی و خشم بخشی از اپوزسیون ایرانی هم می‌شود و این جای تأسف و نگرانی است کسانی که خود را اپوزسیون رژیم تروریستی ایران می‌دانند و در کشورهای غربی زندگی می‌کنند با حقوق مشروع و شناخته شده یک ملت

چشم یک مستعمره نگاه کرده و می‌کند، شکی در این نیست که رفتار رژیم در همه ایران و حتی مناطق فارس‌نشین هم غیرانسانی است اما قابل مقایسه با ظلم و سستی که به مردم می‌شود نیست. علیرغم صدمات بزرگی که به مردم و آب و خاک وارد شده هنوز ملت کورد با افکار انسانی و ملی‌گرایانه و به دور

آتش زدن جنگل‌ها و مراتع و همچنین استفاده بی رویه از منابع آب و اخلا در کار فعالین محیط زیستی و انتصاب مسئولین نالایق بخشی از تلاش رژیم برای نابودی محیط زیست و تلاش برای کوچ مردم روستایی و عشایر به شهرها است، رژیم به خوبی می‌داند که در صورت شورش گسترده مردم و حمایت نیروهای پیشمرگه به آسانی قادر به کنترل نخواهد بود و به همین دلیل قصد نابودی جنگل ها و مناطق روستایی را دارد چون کنترل این مناطق برای هر ارتشی بسیار دشوار است.

مردم به مطالبات اقتصادی و روزمره و همچنین ایجاد شرایط گسترش اعتیاد و فساد از راه فقر و بیکاری.

آتش زدن جنگل‌ها و مراتع و همچنین استفاده بی رویه از منابع آب و اخلا در کار فعالین محیط زیستی و انتصاب مسئولین نا لایق بخشی از تلاش رژیم برای نابودی محیط زیست

در صورت موفق نشدن در این کار تبدیل به سرزمینی ویران و غیر قابل سکونت تا در صورت رهایی از دست رژیم تا ده‌ها سال با مشکلات جدی روبه رو باشد و برای اجرای هر دو سیاست راه نابودی فرهنگ و جامعه و اقتصاد و محیط زیست را در پیش گرفته‌است و در صورت نا امیدی کامل از رسیدن به هدف

مخالفت می‌کنند، اگر سرزمینی اشغال شده نیست چرا کوردها در کوچکترین تصمیماتی در مورد حال و آینده‌شان مورد سوال قرار نمی‌گیرند؟ چرا باید مسئولین و مدیران اصلی همگی توسط رژیم و در تهران منتصب شوند و اکثرا غیر بومی هستند؟ چرا رژیم حتی با آموزش زبان مادری مخالفت و مشکل تراشی می‌کند؟ اگر

از اختلافات مذهبی و فرقه‌ای متحداً به مقاومت ادامه می‌دهد و تا رسیدن به آزادی و برابری دست از مبارزه بر نخواهد داشت و امیدواریم که اپوزسیون ایرانی به جای دشمنی و مخالفت با خواسته‌های بر حق و مشروع ملت کورد راه اتحاد را در پیش بگیرند تا هر چه زودتر این رژیم تروریستی را سرنگون کنیم.

بریدن ممتد ترمز دلار



فالد درویره

در روزهای اخیر شاهد افزایش سرسام آور اما قابل پیش‌بینی نرخ دلار در ایران بودیم که از زمان روی کار آمدن یا به عبارتی به یغما بردن دستاوردهای انقلاب

ملیت‌های ایران توسط حکومت مرتجع و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بی سابقه بوده است، ارزش پول کشور به حدی در حال ذوب شدن مستمر و پیاپی روند رو به افول خود را طی کرده است و امروز به بیشتر از نرخ ۲۰۰۰۰ تومان برای یک دلار رسیده است

که بسیاری از تحلیلگران اقتصادی رسیدن به انتهای ریل اقتصاد ورشکسته را در توصیف آن به کار برده و انحطاط کامل اقتصادی را دور از انتظار نمی‌بینند، در نگاهی تکمیل‌تر اقتصاددانانی را می‌توان یافت که وخامت اوضاع ایران را با کشورهای ونزوئلا و زیمبابوه

مقایسه می‌کنند. اگرچه نرخ تصنعی و دولتی دلار متناسب با نرخ تورم و رکورد اقتصادی پیش‌نرفته‌است و افزایش نرخ دلار آنهم در شرایطی که دولت به شیوه‌ای کاملاً غیرعلمی برای جبران کسری بودجه خود بازارهای سرمایه را با چاپ اسکناس بدون پشتوانه اشباع کرده و نقدینگی سرگردان خود عاملی اصلی جهت کاهش ارزش تومان در برابر ارز خارجی است، می‌بایست بسیار بیشتر از نرخ موجود می‌بود مقامات مسئول در حاکمیت جمهوری اسلامی در چهارچوب تنوری توطئه عامل اصلی بی‌ارزش شدن تومان را خارج از سیستم حاکم و تنها در تحریم‌های اعمالی آمریکا می‌دانند و از طرفی دیگر با انکار واقعیت‌های ملموس آنرا پدیده‌ای زود گذر و موقتی که توانایی کنترل آنرا هم دارند می‌دانند. در اینکه تحریم‌های برگردانده شده بعد از خروج آمریکا از برجام و در این اواخر صدور قطعنامه شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای و تنها حفظ نظام استبدادی در

که از طرف تروئیکای اروپایی و در جهت موافقت با فشارهای آمریکا جهت متقاعد کردن سران رژیم به حل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک مشکلات از طریق مذاکره و گفتگو، تأثیرات عمیقی در کاهش ارزش تومان داشته، شکی نیست، اما تنها عامل آن به حساب نمی‌آید. عامل اصلی کاهش ممتد ارزش تومان در برابر ارز خارجی را در سیاست‌های ناپرخدانه‌ی مداخله جویانه – سلطه‌گرانه و غیرعلمی و ساختار بشدت ایدئولوژیک رژیم می‌توان جستجو کرد، واقعیتی که ولی فقیه و دکانداران ذوب شده در ولایتش از ذکر آن طفره می‌روند. جایی که سیاست می‌بایست به مثابه اسب اقتصاد، چنانچه حوضه اقتصادی به هر کجا منافع عمومی می‌طلبد نقل مکان کند، در جهتی کاملاً عکس، سیاست‌های نامتعارف رژیم، افسار اقتصاد را گرفته و طی طریق آن را در راه تأمین نیازهای جامعه از پاشنه اصلی خود خارج کرده و تنها حفظ نظام استبدادی در

چه سرنوشتی در انتظار رژیم و ملیتهای ساکن در جغرافیای سیاسی ایران است؟

پیشوا صالمی

رژیم اقتدارگرای جمهوری اسلامی در طول دوران حاکمیتش همواره در حال گسترش خشونت و جنگ افروزی، حتی هزاران کیلومتر آن‌سوی مرزهایش بوده است، بصورتی که در اکثریت نقاط جهان بخصوص در خاورمیانه هر جا که جنگ یا ناآرامی پیش آمده باشد حتما مستقیم یا غیرمستقیم سردمداران رژیم از طریق نهاد یا گروه‌های تروریستی وابسته‌اش در آن دست داشته‌اند.

برای نمونه می‌توان به شرکت در جنگ سوریه اشاره کرد که در هزاران کیلومتر آن‌سوی مرزها به بهانه‌ی دفاع از حرم و مبارزه با تروریسم، در سرکوب مخالفان حکومت دیکتاتوری سوریه نقشی کلیدی ایفا کردند و در حالی که رژیم بشاراسد در پرتگاه سقوط قرار گرفته بود، به تقویت گروه‌های تروریستی پرداختند تا از این راه به بهانه‌ی جنگ با تروریسم و از طریق فرافکنی در مقابل کشورهای جهان به سرکوب مخالفان رژیم بشار اسد، که مردمی انقلابی بودند و برای رهایی از ظلم و ستم رژیم پیاخته‌ست بودند، بپردازند. با این کار خون تازه‌ای در رگهای رژیم خودکامه و دیکتاتوری بشاراسد تزریق شد و رژیم از سقوط و سرنگونی حتمی توسط مردم انقلابی سوریه رهایی یافت.

نمونه‌ی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد ارسال تسلیحات نظامی و کمک‌های مالی به گروه‌های

تروریستی است که مورد حمایت مستقیم یا غیرمستقیم رژیم قرار دارند و هدف از ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی فقط درجهت رسیدن به اهدافی خاص می‌باشد. که مقبول جمهوری اسلامی باشد. رژیم جمهوری اسلامی در ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی در جهان به منظور ایجاد نا آرامی در منطقه، چندین هدف را دنبال می‌کند که به دو مورد از آنها که برای جمهوری اسلامی بسیار کلیدی و حیاتی به‌شمار می‌رود اشاره خواهم کرد:

۱- نمایش وضعیت ناآرام و ناپسaman منطقه به منظور شکست آمریکا در سیاست‌هایی که به اقدام نظامی در عراق و افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ میلادی انجامید و در راستای فشار جوامع بین‌المللی و مردم در برابر سیاست‌های آمریکا و به منظور جلوگیری از مداخله نظامی در کشورهای منطقه که به احتمال زیاد در صورت لزوم شامل ایران و هم‌پیمانانش نیز خواهد شد.

۲- گسترش جنگ در منطقه به منظور جلوگیری از خیزش مردم در برابر رژیم و مبارزه در داخل کشور که سردمداران جمهوری اسلامی از آن بسیار واهمه دارند و نمایش وضعیت ناپسaman کشورهای درگیر جنگ به مردم ایران، به منظور گنجاندن ذهنیتی در جامعه که در صورت برپا شدن هر گونه نا آرامی و مبارزه با رژیم در ایران سرنوشتی مشابه با کشورهای درحال جنگ در انتظارشان خواهد بود!

با توجه به سیاست‌های جنگ



سرنوشتی که در انتظار مردم ایران است آزادی و رهایی از چنگال دیکتاتوریت جمهوری اسلامی می‌باشد که آن‌هم فقط با اتحاد و همبستگی ملیتهای ساکن در جغرافیای سیاسی ایران میسر خواهد شد، مسئله‌ای که زنده‌یاد دکتر قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران سال‌ها پیش بر آن تاکید داشتند.

بود، رژیم جمهوری اسلامی به سرنوشتی دچار خواهد شد که هزاران دیکتاتور دیگر به آن دچار شدند. همه‌ی رژیم‌های ظالم و اقتدارگرا محکوم به نابودیند و روزی سرنگون خواهند شد، اما چگونگی و فعالیت مردم بر روند سرنگونیشان بسیار تأثیرگذار می‌باشد. سرنوشتی که در انتظار مردم ایران است آزادی و رهایی از چنگال دیکتاتوریت جمهوری اسلامی می‌باشد که آنهم فقط با اتحاد و همبستگی ملیتهای ساکن در جغرافیای سیاسی ایران میسر خواهد شد مسئله‌ای که زندیاد دکتر قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران سال‌ها پیش بر آن تاکید داشتند.

نفوذشان در منطقه سرنوشتی همچون سرنوشت عنکبوتی با پاهای قطع شده در انتظارشان خواهد بود و در اثر قطع قدرت مانورشان در منطقه، بدنی ضعیف و بدون قدرت مانور دادن برایش به جای خواهد ماند که حتی توان سرکوب مخالفان داخلی را هم نخواهد داشت و توسط مردم در مدتی کوتاه سرنگون خواهد شد. رژیم‌های قدرت‌طلب و تمامیت‌خواه که با خونریزی و سرکوب مخالفانشان به قدرت رسیده باشند برای افزایش طول عمر و ماندن در قدرت مجبورند با زور و سرکوب به طول عمر خود ادامه دهند، درحالی که تاریخ‌ناینگر این واقعیت است که سرنوشتی جز سرنگونی در انتظارشان نخواهد

یا دفاع در برابر حمله‌ی جاندار دیگری می‌افزاید را کوتاه یا از ته قطع نماییم بدنی بی‌خاصیت و ضعیف برایش باقی می‌ماند و دیگر قدرتی برای مانور دادن و شکار نخواهد داشت که بعد از مدتی بر اثر عدم توانایی برای شکار یا در پی حمله‌ی جاندار دیگری و نداشتن قدرت دفاع یا از گرسنگی تلف و یا طعمه‌ی جاندار دیگر خواهد شد. حال گروه‌های تروریستی و دخالت‌های جمهوری اسلامی در منطقه برای ایران نقش پاهای عنکبوت را ایفا می‌کنند هرچه مودای نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه بیشتر باشد قدرت مانورش برای رسیدن به اهدافش بیشتر خواهد شد و در صورت قطع شدن

افروزانه‌ی رژیم جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر و وضعیت ناپسaman اقتصادی و معیشتی مردم که با ظلم و ستم درهم آمیخته شده و طول عمر آن بیش از چهل سال به طول انجامیده شده است، این پرسش به میان خواهد آمد که چه سرنوشتی در انتظار رژیم و ملیتهای ساکن در جغرافیای سیاسی ایران است؟

به زبانی ساده اگر بخواهیم شیوه‌ی سیاست رژیم جمهوری اسلامی را در وصف جاندارى توصیف کنیم می‌توان آن را به عنکبوت تشبیه کرد.

برای نمونه پاهای عنکبوت که عامل حرکت جاندار می‌باشد و هر چه درازتر بودن پاهایش که بر قدرت مانور جاندار برای شکار

جهش تولید یا غارت؟ مهاجرت معکوس یا حاشیه‌نشینی؟ اشتغال‌زایی یا اشتغال‌زدایی و افزایش بیکاری؟

یکی از قربانیان این طرح شوم تبدیل شده‌است.

ولی مردم فهیم و وطن پرستان این دیار برای سنگریزه‌های میهنشان هم ارزش قائلند و هم در مقابل این ظلم و سوء استفاده حکومت و عوامل آن قهرمانانه قد علم کرده‌اند و اولین معدن را به تعطیلی کشاندند که پرونده آن در دستگاه ناداد و ناعادلانه حکومت در جریان است که نزدیک به ۴۰ نفر اعم از پیر و جوان و زن و بچه درگیر این پرونده هستند، اگرچه هنوز تکلیف پرونده قبلی معدن کوه گاو قران (کتیوی گاقوران) کانی سفید مشخص نشده است.

این بار مافیاهای غارتگران و جاش‌ها، علی‌الخصوص شرکت راه ایریشم سازان کوروش، سراغ قلعه باستانی شیطان قلعه رفته و شروع به تخریب و حفاری نموده و علیرغم تخریب این میراث فرهنگی هیچ کس و هیچ ارگان حکومتی حاضر به پاسخگویی ضبط و تعرض به اموال مردم نیست.

ارگان‌های مربوطه از جمله منابع طبیعی (به بهانه معافیت صاحبان زمین از مالیات سالانه) و میراث فرهنگی خود را از هر گونه مسئولیت در این زمینه معاف کرده و جوابگوی اعتراضات مردم نیستند و حتی درصدد هستند که به بهانه‌های متعدد و خود ساخته مقابل‌خواست صاحبان این ملک‌ها بایستند و آنها را نیز سرکوب کنند.



بومی با استفاده از روابط اجتماعی و آشنایی که با محیط و مردم این منطقه دارند جاده صاف کن این شرکت‌های مافیایی شده‌اند. مناطق کرفتو، اوباتو(هده‌توو) و چهل‌چشمه (چلچمه‌مه) در این اواخر در معرض تهدید نابودی این مافیاهای هستند فعالیت‌های این مافیاهای معدن بیشتر در روستاهای کانی سفید کلکان(کانی چه‌رمو و که‌له‌کان) ظفرآباد، کتک(کوتک) و آلیجان، مران و آبیاره (ناواره) می‌باشد و باتوجه به شناختی که از منطقه و معدن و قلعه‌های قدیمی بدست آورده‌اند، بیشتر روی روستای کانی سفید کلکان متمرکز شده‌اند که این روستا به

مقاومت می‌کند با تهدید و کشاندن آنها به اداره اطلاعات، وی را مجبور به رضایت می‌کنند! ۲- در مواردی که عموم مردم ذینفع هستند با وعده عمران و آبادانی روستاها در تلاشند رضایت آنان را جلب کنند در حالی که عمران وظیفه دولت است نه اینکه با منابع خود مردم، مردم را فریب دهند. این در حالی است که در بسیاری از موارد معدنکار از دادن این پول هم سرباز می‌زنند و وقتی به مراجع قضایی مراجعه می‌شود برای احقاق حق تنها جوابی که مردم خواهند شنید این است که معدنکار مجبور به دادن باج نیست! ۳- متأسفانه افراد خائن (جاش)

آن که مربوط به کدام فلز است ثبت می‌کنند و در بسیاری از موارد فقط به دنبال دینه‌ها و مثلث مافیای صنعت و معدن و اداره اطلاعات و منابع طبیعی در جهت نابودی آن کوشیده‌اند و حال هم شدت بیشتری به آن بخشیده‌اند. در معدنکاری عده‌ای پا به این عرصه نهاده‌اند که نه در این زمینه تحصیلاتی داشته‌اند و نه تخصصی، بلکه با استفاده از باندهای مافیایی میان صنایع و معدن و اداره منابع طبیعی، میراث فرهنگی و اداره اطلاعات اقدام به ثبت شرکت و ثبت معدن، بدون اقدامات تخصصی فقط باتوجه به عکس‌های ماهواره‌ای که هر منطقه را با توجه به رنگ

انجامید. درحالی که این شغل‌ها (کشاورزی و دامداری) به مراتب و محیط زیست بکر نیاز دارند مثلث مافیای صنعت و معدن و اداره اطلاعات و منابع طبیعی در جهت نابودی آن کوشیده‌اند و حال هم شدت بیشتری به آن بخشیده‌اند. در معدنکاری عده‌ای پا به این عرصه نهاده‌اند که نه در این زمینه تحصیلاتی داشته‌اند و نه تخصصی، بلکه با استفاده از باندهای مافیایی میان صنایع و معدن و اداره منابع طبیعی، میراث فرهنگی و اداره اطلاعات اقدام به ثبت شرکت و ثبت معدن، بدون اقدامات تخصصی فقط باتوجه به عکس‌های ماهواره‌ای که هر منطقه را با توجه به رنگ

مسئله فضای

این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش از این دست ذهن هر شهروندی را در حکومت جمهوری اسلامی به خود مشغول می‌سازد. هر وقت حکومت برنامه‌ی جدیدی را شروع کرده و هر پروژه‌ای را که کلید زده، جزو ویرانی و اتلاف سرمایه ملی، بهره‌ای برای جامعه نداشته است. این روزها که فروش نفت با وجود تحریم‌ها به حداقل خود رسیده است و پول کافی برای اهداف تروریستی و ماجراجویی‌های فرامرزی ندارد، می‌خواهد این کسری بودجه را در حوزه معادن و با خام‌فروشی جبران کند و هر بار برای جبران این کسری‌ها قرعه به نام معادن مناطق کردنشین افتاده‌است. گرچه حکومت و سازمان‌های مربوطه در کردستان همیشه دنبال این موضوع بوده‌اند اما مدتی است که بشدت و به صورت مستمر مشغول ثبت معادن در مناطق کردستان و بالخصوص شهرستان دیواندره و دامنه‌های چهل چشمه هستند.

شهرستان دیواندره یکی از قطب‌های دامداری، کشاورزی و زنبورداری کشور است و دارای بیشترین تنوع گیاهی در کشور است که یکی از عوامل بازدارندگی خشکسالی، تنوع گیاهی می‌باشد که با فعالیت این شرکت‌ها به نابودی خواهد

تورم افسار گسیخته و درماندگی رژیم



تورم، گرانی و جهش قیمت کالاها در ایران روند صعودی در پیش گرفته و دست رژیم را به جیب مردم فرو برده که این نشانگر ورشکستگی سیستم اقتصادی است. تحریم‌های آمریکا به تدریج ایران را از بازار نفت خارج کرده به همین دلیل برای تامین هزینه‌های خود به راهکارهای موقت چنگ زده است؛ از جمله صادرات غیر نفتی که همچنان کاهش می‌یابد. بر اساس گزارش مرکز آمار ترکیه، این کشور در پنج ماه ابتدایی سال جاری میلادی واردات از رژیم اسلامی را ۱۰ برابر نسبت به دور مشابه سال پیش کاهش داده است. همچنین بر اساس گزارشات صادرات رژیم ایران به کشور چین بزرگترین شریک تجاری این رژیم، ۲۸ درصد؛ عراق ۳۷ درصد و ترکیه ۸۸ درصد افت داشته است. به طور کلی ارزش صادرات رژیم ایران در سال ۱۳۹۹ بر اساس گزارش گمرک رژیم ایران ۴۴ درصد کاهش داشته است. افزایش شدید قیمت

صدای درهم شکستن پایه‌های اقتصادی رژیم ایران به گوش می‌رسد

مصلحت نظام رژیم اعتراف کرد که حدود دو سوم جمعیت ایران در سال‌های گذشته به‌دلیل افزایش تورم و نوسانات شدید بوجود آمده در قیمت‌ها به زیر خط فقر رفته‌اند. حکومت آخوندی به دلیل فساد فراگیر با ورشکستگی کامل اقتصادی روبروست و همچنین سقوط بهای نفت بحران اقتصادی رژیم ایران را وخیم‌تر کرده است. "چین" نیز میزان رسمی خرید نفت از رژیم ایران را به پایین‌ترین رقم رسانده به صورتی که در مقایسه با سال گذشته ۹۰ درصد کاهش داشته است. طبق آخرین آمارهای کلی گمرک رژیم ایران، زمستان پارسال صادرات غیرنفتی نسبت به زمستان ۹۷ حدود ۳۵ درصد کاهش یافته و به ۸ میلیارد دلار رسیده بود و هم‌اکنون نیز صادرات غیرنفتی کشور با افتی ۸ درصدی به ۴.۳ میلیارد دلار رسیده است.

بحران اقتصادی در ایران سبب افزایش نسبت جمعیت حاشیه‌نشین شده است. رژیم آخوندی با کسری بودجه سرسام‌آور روبروست، در حالی که مسئولین رژیم عامدانه روی آن سرپوش می‌گذارند. این در حالیکه مسئولین رژیم درصدد هستند تا اقتصاد فرو رفته در باتلاق را از طریق افزایش مالیات نجات دهند. از سوی دیگر با افزایش بهای برق بصورت سالانه و افزایش هزینه تلفن ثابت و دیگر هزینه‌های روزمره برای مردم بیش از پیش مردم را زیر فشار اقتصادی گذاشته است. در همین راستا روزنامه "کیهان" وابسته به رژیم روز پنجشنبه پنجم تیر به وضعیت بحرانی اقتصاد و معیشت مردم در سیاست‌پلید آخوندی اعتراف کرد و از نزول ارزش پول و صعود قیمت مسکن و اجاره بها، تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری نوشت. همچنین آخوند "مصباحی مقدم" عضو

به دنبال گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه رژیم ایران، ریال در برابر دلار آمریکا به نازلترین حد خود رسیده و از طرفی تشدید تحریم‌ها از سوی آمریکا و از طرف دیگر سوءمدیریت‌های مسئولین رژیم موجب در هم شکستن اقتصاد رژیم ایران شده است. سقوط ارزش ریال و به دنبال آن سقوط قدرت خرید، دستمزد پایین زندگی مردم و بخصوص کارگران را به شدت تحت فشار قرار داده است. افزایش روز افزون قیمت لبنیات، گوشت قرمز، گوشت مرغ، میوه و دیگر اقلام خوراکی نشان از بحران جدی و خانمان سوزی دارد که از فقر گسترده در میان مردم خبر می‌دهد. قابل ذکر است که در بخش مسکن، هزینه‌های افزایش یافته است به صورتی که مردم به پشت بام خوابی روی آورده‌اند. سیاست فقیر و گرسنه نگه‌داشتن مردم و همچنین

که تأثیرات آن گریبان‌گیر جامعه در ارتباط با مشکلات دیگری مانند فقر، مهاجرت، ناهنجاری‌های روانی، نا امنی و سایر آسیب‌های اجتماعی شده است. علاوه بر بیکاری گسترده، کمبود منابع مالی در کارخانه‌ها و شرکت‌ها باعث شده تا دستمزدها با تاخیر پرداخت شود و موجب نارضایتی روز افزون شاغلان گردد. در همین راستا، کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه قریب بیست روز است که در اعتراض به سوء مدیریت مسئولین و معوقات حقوقشان در بازار و سطح شهر شوش تجمعات اعتراضی را برگزار کرده‌اند.

کالاهای مصرفی مردم، بیکاری مفرط، کاهش ارزش ریال و صرف گروه‌های تروریستی در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن باعث شده است، مردم در تامین ابتدایی‌ترین نیازهای روزانه دچار مشکل شده و سید کالای آن‌ها روز به روز کوچک‌تر شود. بر اساس بحران اقتصادی حاکم بر ایران، میزان جمعیت زیر خط فقر مطلق به مراتب بیشتر از ۴۰ درصد می‌باشد. افراد بیکار تنها کارگران نیستند، بلکه اکثر جوانان نخیه و فارغ‌التحصیلان بیکار هستند، این پدیده اقتصادی ناهنجاری‌های فراوانی را در جامعه ایجاد کرده به‌گونه‌ای



شخصیت هدایت

آن را مرد قهرمانی نیست که دشمن بخوابد به دخواه سر نوشت او را رقم بزند؛
آری؛ او کسی است داستان مرکش میعادگاهی برای آزادی خوانان خواهد شد.



حزب دمکرات کوردستان ایران
ارکان تبلیغات و اطلاع رسانی